



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد از ذکر روایات عرض می کنیم که راههای مختلفی برای اثبات ولایت فقیه داریم که مطالبی را به عنوان مقدمه برای ذکر آنها بیان می کنیم.

مقدمه اول اینکه دین اسلام کامل و جامع است و به تمام ابعاد زندگی بشر نظر دارد و قوانینی را برای آنها وضع کرده و حکومت نیز یکی از مسائل اسلام می باشد.

قبلاً معارف اسلامی را به ده فصل تقسیم کردیم:

**اول:** معارف اعتقادی و ایمانی که مربوط به مبدأ و معاد و کلاً امور اعتقادی است و در علم کلام از آن بحث می شود.

**دوم:** معارف عبادی که مربوط به پرستش خداوند متعال می باشد.

**سوم:** معارف اخلاقی که مربوط به روحیات و ملکات انسان می باشد.

**چهارم:** معارف اقتصادی که مربوط به تحصیل و تولید و توزیع اموال و کلاً مکاسب و حتی انفال (معادن، اراضی موات، رئوس جبال، کل ارض لا ربّ لها) می باشد.

**پنجم:** معارف مدنی که مربوط به معاشرت اشخاص می باشد.

**ششم:** معارف فرهنگی که مربوط به علوم و فرهنگ و تعلیم و تربیت می باشد.

**هفتم:** معارف سیاسی که مربوط به مدیریت جامعه اسلامی می باشد.

**هشتم:** معارف حکومتی که مربوط به نحوه ی حکومت و اجراء قوانین اسلامی می باشد.

**نهم:** معارف قضائی که مربوط به قضاوت می باشد.

**دهم:** معارف جهادی که مربوط به جهاد می باشد.

نامه حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر که نامه ۵۳ نهج البلاغه می باشد را به عنوان نمونه ذکر می کنیم که در اول آن گفته شده: ﴿جَبَايَةَ خَرَاجِهَا، وَجِهَادَ عَبْدُوهَا، وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا، وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا﴾<sup>۱</sup>، علت اینکه اول آن جمله ذکر شده این است که مصر در زمان خلیفه دوم فتح و جزء مفتوحة عنوة و اراضی خراجیه شد لذا حضرت می فرماید از آنها خراج جمع آوری کن و بعد جهاد و تربیت و آبادانی ذکر شده است که این چهار موضوع سرلوحه ی کار مالک در مصر می باشد و الان نیز ما می خواهیم بگوئیم که فقهاء ما مثل مالک اشتر هستند یعنی همان گونه که حضرت امیر علیه السلام مالک را به عنوان حاکم با برنامه ای خاص معرفی می کند فقهاء ما نیز از طرف اسلام و پیغمبر و ائمه علیهم السلام برای اداره ی کشور اسلامی با همان برنامه ها معرفی شده اند و جالب است که الان در سازمان ملل نامه حضرت به مالک به عنوان عالی ترین برنامه و منشور سیاسی نگهداری می شود، خلاصه اینکه معارف اسلام ده فصل است و ما معتقدیم که اسلام یک دین جامع و کاملی می باشد که دارای معارف و قوانینی است و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمودند: ﴿ما من شیء یقربکم الی الله الا امرتکم به و ما من شیء یبعدکم الا نهیتکم عنه﴾، بنابراین اسلام دارای ابعاد فراوانی برای زندگی بشر می باشد که برای تمام آنها برنامه و حکم مشخص و معین شده است.

مقدمه دوم اینکه احکام مذکور دائمی و برای همه مکان ها و زمان ها می باشند: ﴿حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة﴾.

مقدمه سوم اینکه ما باید ببینیم این برنامه ها و احکام به چه شکلی و بوسیله ی چه کسی باید اجراء بشوند زیرا اسلام همان طور که به وضع قوانین به این جامعیت عنایت

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۹۰، نامه ۵۳.

دارد به اجراء آنها نیز عنایت دارد و کلاً بحث ما نیز در همین است و ما می خواهیم بگوئیم پیغمبر و هر کدام از ائمه علیهم السلام که در زمان خودشان قدرت داشتند احکام مذکور را اجراء می کردند و قطعاً احکام مذکور نسخ نشده اند لذا ما باید ببینیم در زمان غیبت تکلیف مردم چیست آیا مردم در زمان غیبت امام نسبت به احکام و برنامه های مذکور مجری لازم ندارند؟ که اگر بگوئیم نیازی ندارند قطعاً در زندگی مردم نقصان و حرج و مرج بوجود خواهد آمد، خب و اما قطعاً غیر از فقیه عادل که جامعیت دارد و تمام احکام اسلام را می داند شخص دیگری نمی تواند احکام و برنامه های مذکور را اجراء کند و این مطلب یعنی مجری احکام با عناوین مختلفی مثل؛ والی، امام، سلطان، حاکم و... در روایات ما نیز ذکر شده بنابراین در ابواب مختلف فقه ولی فقیه عادل با عناوین مختلفی به عنوان مجری احکام و قوانین اسلام به ما معرفی شده است فلذا ما وارد این بحث می شویم که در روایاتمان اسامی مذکور به عنوان مجری احکام ذکر شده است و شواهدی را از روایاتمان ذکر می کنیم.

**شاهد اول:** حدیث صحیح السندی است که در ابواب صلاة عید ذکر شده است، خبر این است: ﴿محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عیسی عن یوسف بن عقیل، عن محمد بن قیس، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا شهد عند الامام شاهدان أنهما رأيا الهلال منذ ثلاثين يوماً أمر الامام بالافطار في ذلك اليوم إذا كانا شهدا قبل زوال الشمس، فان شهدا بعد زوال الشمس أمر الامام بافطار ذلك اليوم وأخر الصلاة إلى الغد فصلی بهم﴾<sup>۲</sup>، همان طور که می بینید کلمه "امام" در خبر ذکر شده و قطعاً مراد فقط امام معصوم نیست بلکه به صورت کلی ذکر شده و اصلاً خیلی از روایات ما از امام صادق علیه السلام نقل شده که در

محدودیت و فشار سختی بودند به صورتی که حتی حضرت نتوانست امام بعد از خودش را برای مردم معرفی کند زیرا منصور گفت هرکسی که به عنوان امام بعد از جعفر بن محمد علیهما السلام معرفی شود می کشم! لذا امام صادق علیه السلام پنج نفر را معرفی کردند که اول خود منصور بود و یکی از آنها امام کاظم علیه السلام و دیگری حمیده زوجه ی حضرت می باشد، خلاصه اینکه منصور علیه العنة سادات را می کشت و زیر دیوار ها می گذاشت و اینکه در مملکت ما امام زاده های فراوانی وجود دارد علتش همین است که مردم ایران ولایت مدار بودند و سادات را احترام می کردند لذا این بزرگواران در سه مرحله به ایران آمدند؛ موج اول در زمان بنی امیه و موج دوم در زمان منصور و اول حکومت بنی العباس و موج سوم در زمان متوکل عباسی به ایران آمدند و بیشترین امام زاده ها در شیراز مدفون هستند و رهبر معظم انقلاب حفظه الله نیز در سفری که به شیراز داشتند فرمودند اینجا حرم سوم اهل بیت علیهم السلام می باشد، خلاصه اینکه امام صادق علیه السلام و سادات و کلاً اصحاب حضرت در زمان منصور در فشار و سختی شدیدی بودند و حتی نقل شده زواره فرزندش را نزد امام صادق علیه السلام فرستاد و به حضرت گفت من می شنوم که شما خیلی از من انتقاد می کنید در حالی که من همیشه در خدمت شما بودم و احادیث شما را نقل می کنم، حضرت فرمودند شما مثل آن کشتی هستی که خضر نبی سوراخش کرد من اینطور می گویم که تو را حفظ کنم، خب تا این اندازه شرایط سخت بوده اما بیشتر روایات مذکور از امام صادق علیه السلام ذکر شده است که معلوم می شود یک برنامه ای برای بعدها معین شده تا فقیه عادل و وظائف خودش را بداند.

بقیه ی بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۵، ص ۱۰۴، باب ۹ از ابواب صلاة عید، حدیث ۱، ط الاسلامیة.